آموزه های همه گیری کرونا برای مدیریت وتوسعه کشور

شمس السادات زاهدی[1]

تاریخ دریافت: 1399/۸/۶ تاریخ پذیرش: 1399/۸/14

چکیده

توسعه فرایندی یکپارچه و چند وجهی است که به کلیه وجوه آن باید به گونه ای مسئولانه و مدبرانه بطور همزمان پرداخته شود. آنچه تاکنون در سراسر جهان رخ داده با روند توسعه یکپارچه مغایرت داشته است. اکنون زمان بازنگری اقدامات پیشین و ایجاد تغییرات بنیادین در سیاست های مدیریتی و توسعه ای کشورفرا رسیده است. همه گیری کرونا یک بار دیگر بر اهمیت نقش دولت ها در اداره امور جوامع صحه گذارد. دولت های جهان لازم است که شیوه تفکر خود را اصلاح کنند و به جای تلاش برای قدرت داشتن بر دیگران به قدرت داشتن با دیگران بیندیشند. همکاری های جهانی را ارتقا دهند و از دستاوردهای حاصله بهره مند شوند. همه گیری کرونا نشان داد که سرنوشت کلیه کشورهای جهان به نوعی در هم گره خورده و آنها عمیقا به هم وابسته اند. از این رو کشورهای برخوردار موظفند به کشورهای محروم از جهات مختلف علمی، فنی، اقتصادی، بوم شناختی و هر آنچه که در فرایند توسعه همگانی موثر است مدد رسانند و در مسیر توسعه و تحول جهانی گام بردارند.

واژه های اصلی: تفاوت تغییر با تحول، نقش دولت، مدیریت منابع انسانی سبز، شکاف دیجیتالی، نشاط اجتماعی، تاناتو فوبیا، هلیوتراپی، هولوگرافی.

مقدمه

همه گیری کرونا فرصتی برای بازاندیشی سیاست های مدیریتی در اختیار جوامع قرار داده است. وضعیت کنونی جهان نمودی از بی توجهی جهانیان به الزامات توسعه پایدار یکپارچه و متوازن است. در الگوی پیشنهادی برای این نوع توسعه، برسه قلمرو تأکید شده است: قلمرو موضوعی، قلمرو مکانی، و قلمرو زمانی. از نظر موضوعی، توسعه زمانی پایداراست که جامعه را از ابعاد شش گانه سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی، علمی و فرهنگی، محیطی و بوم شناختی، و روحی و معنوی، به طور یکپارچه و متوازن به پیش ببرد. از نظر مکانی بر ابعاد محلی، ملی، منطقه ای، و جهانی تأکید می شود. در قلمرو زمانی نیز به بررسی و نقد عملکرد گذشته، شناسائی واقع بینانه وضع موجود و پیش بینی روندهای آینده اقدام می شود(زاهدی، ۱۳۹۸).

با توجه به قلمروهای سه گانه درمی یابیم که توسعه فرایندی چندوجهی است و باید به کلیه وجوه آن به گونه ای مسئولانه و مدبرانه پرداخته شود.

---

[1] عضو وابسته فرهنگستان علوم جمهوری اسلامی ایران، استاد دانشگاه علامه طباطبایی

با نگاهی دقیق به اوضاع کشورهای مختلف متوجه می شویم که آنچه تاکنون در سراسر گیتی رخ داده است با آموزه های توسعه یکپارچه مغایرت داشته است. اکنون زمان آن رسیده که با بازنگری اقدامات پیشین ، از خطاها و اشتباهات گذشته پند گرفته و از تکرار آنها جلوگیری شود. به نظر نگارنده، متأسفانه در زمان حاضر اشتباه کردن به یک رویه تبدیل شده است. در حالی که شایسته است با به کار گیری یافته های علمی و آموختن از تجربیات پیشین، روندها و فرایند های نادرست، هرچه سریع تر متوقف شوند. اشتباه جدید را شاید بتوان پذیرفت ولی تکرار اشتباهات پیشین امری غیر قابل بخشش است. در این نوشتار تلاش می شود با توجه به پیامدهای همه گیری کرونا، بایدها و نبایدها درهریک از قلمرو ها و ابعاد توسعه به بحث گذارده شود.

بعد سیاسی

دولت ها نقشی بسیار کلیدی در توسعه سیاسی جوامع ایفا می کنند. عملکرد دولت ها حاکی از آن است که بسیاری از مدعیان توسعه یافتگی، درعمل فاصله زیادی با معیارهای توسعه سیاسی دارند. در جریان همه گیری کرونا، برنامه ریزی نا مناسب، مدیریت ناشایست، بی صداقتی دراطلاع رسانی و بی مسئولیتی در آگاه سازی جامعه، بی توجهی به مشارکت مردمی در فرایندهای تصمیم سازی و تصمیم گیری و...در اکثر کشورهای جهان مشاهده شده است.

درتوسعه سیاسی زمینه مشارکت کلیه افراد ، گروه ها و تشکل های مختلف جامعه در سپهر سیاسی کشور امکان پذیر می شود. شأن و جایگاه انسان ها محترم شمرده شده وافراد به اعتبار عضویت در جامعه از حقوقی برخوردار و البته به انجام تکالیفی نیز مکلف می شوند. لازم به تأکید است که حقوق و تکالیف شهروندی به صورت دوجانبه عمل می کنند، حقوق شهروندی به تعهدات حاکمیت و دولت در قبال شهروندان اشاره دارد و تکالیف شهروندی وظایف و تعهداتی است که شهروند در قبال جامعه مکلف به انجام آنهاست. متأسفانه دربعضی از جوامع، ازجمله در جامعه ما بیشتر بر تکالیف افراد تأکید می شود و در بسیاری از امور، احقاق حقوق مردم، مورد غفلت قرارمی گیرد.

دولت ها زمانی می توانند در فرایند توسعه موثر باشند که بصیرت، آگاهی، مهارت و تخصص مورد نیاز برای اداره امور کشور را واجد باشند و با در نظر داشتن منافع ملی، هدایت سکان توسعه کشور را بر عهده گیرند. یکی از صاحبنظران در این زمینه معتقد است که دولت باید محرک و تسهیل کننده فعالیت ها در وضعیت هائی باشد که بنا برعلل تاریخی و ساختاری در فرایند توسعه دچار اختلال شده اند. به نظر وی تفاوت بین یک دولت قوی با یک دولت ضعیف، الزاما در میزان دخالت نبوده بلکه در کیفیت دخالت است (Bardhan, 2016).

به باور استیگلیتز، موفقیت کشورهای واقع در شرق آسیا نشان داد که نقش دولت در توسعه، بسی فراتر از آنی است که در سیاست های لیبرالی بر آن تأکید شده است. به نظر وی، زمانی که بانک جهانی درباره سیاست های مبتنی بر بازار آزاد تبلیغ می کرد، کشورهای شرق آسیا سیاست هائی را اتخاذ کردند که بر اساس آنها دولت های توسعه گرا نقش فعالی را در اداره امور جامعه بر عهده گرفتند (Stiglitz, 2016).

نگارنده بر این باور است که دولت به عنوان یک نهاد قدرتمند، باید ازاختیاراتی که قانون اساسی بر عهده اش گذارده با خردمندی و هوشمندی استفاده کند، هدایت فعالیت های جامعه را برعهده گیرد و پلکانی برای پیشرفت و توسعه سایر نهادها باشد. از اینرو، بر دخالت فعالانه و هدایتگرانه برای گذار ازموانع بازدارنده در مسیر توسعه تأکید می نماید.

همه گیری کرونا یک بار دیگر بر اهمیت نقش دولت ها در اداره امور جوامع صحه گذارد. خانم مارتا نوسبام ، فیلسوف آمریکائی و استاد حقوق و اخلاق دانشگاه شیکاگو می گوید: امیدوارم کشورم سرانجام فهمیده باشد که بدون دخالت دولت ، از افراد کاری بر نمی آید و آنها نمی توانند مشکلات خود را حل کنند (Nussbaum, 2020). وی معتقد است که کمک به کشورهای فقیر، وظیفه دیگری است که بر عهده کشورهای ثروتمند قرار دارد. البته به نظر نوسبام، به جای کمک های مالی که باعث می شود مردم از نظر سیاسی تنبلی پیشه کنند، راه های دیگری نیزمانند تبادل فکر و نظر، انتقال فناوری، رفتن به کشورها و کمک مستقیم به جوامع و مدارس و... وجود دارد.

ژوزف نای استاد روابط بین الملل دانشگاه هاروارد درباره چگونگی اجرای این نقش چنین توضیح داده است: سران دو قدرت اول اقتصادی جهان یعنی دونالد ترامپ[2] و شی جین پینگ[3] روسای جمهور آمریکا و چین، در مدیریت کرونا به شدت ناتوان بودند وضعیف عمل کردند. هردوی آنان درباره زمان آغاز بحران به ملت دروغ گفتند و با انکار حقیقت، فرصت آگاه سازی جامعه را از دست دادند. رهبر خردمند باید در همان ابتدا شرایط را برای مردم توضیح دهد زیرا بحرانی جهانی پدید آمده است و هیچ کشوری نمی تواند به تنهائی آن را حل کند. هیچ یک ازاین دو رئیس جمهور متوجه نبودند که به جای قدرت داشتن "بر" دیگران، می توان به قدرت داشتن "با" دیگران هم اندیشید. به قول هنری کیسینجر[4] سیاستمدار آمریکائی ، رهبران جهان امروز باید مسیر همکاری را پیش گیرند تا قدرت تاب آوری جهانی افزایش یابد (Nye, 2020) .

راه های زیادی برای همکاری های بین المللی وجود دارد که رهبران جهانی می توانند از آنها الهام بگیرند و تمامی جهانیان را از ثمرات آن مستفیض نمایند. به عنوان نمونه، یکی از راه هائی که به ارتقای همکاری های جهانی کمک می کند همرقابتی عملکردی است که می تواند به طورمتقابل در سطح بین المللی بین کشورهای جهان صورت پذیرد. منظور از این نوع همکاری به اشتراک گذاری دانش بین واحدهای سازمانی است(Knein, et al, 2020). به این ترتیب از یک سو با سهیم کردن دیگران در دانش خود و از سوی دیگر با بهره گیری از آگاهی ها و تجارب سایرین، می توان بر هم افزائی دستاوردها افزود و از نتایج غنی تر و کارآمدتری بهره مند شد. در هر حال این شیوه همکاری، ثمرات مفیدی را به بار خواهد آورد. یافته های پژوهشی حاکی از آن است که فرهنگ های قوی از همرقابتی استقبال می کنند و فردگرائی موجب کاهش آن می شود (Neguyen, et al, 2018).

با وجود تأکیدی که بر ضرورت اصلاح نگرش ها می شود، بعضی از صاحبنظران از جمله استیفن والتز[5]، چندان امیدی به تغییر شیوه تفکر رهبران جهانی ندارند و بر این باورند که ماهیت تعارضی سیاست جهانی همچنان تداوم می یابد همچنان که همه گیری های پیشین نیز نتوانستند تغییری ایجاد کنند (به عنوان مثال، آنفلوانزای همه گیر ۱۹۱۹-۱۹۱۸). والتز می گوید کرونا (کوید-۱۹) دنیائی را ایجاد خواهد کرد که کمتر باز، کمتر خوشبخت و کمتر آزاد خواهد بود. نباید این چنین می شد اما مجموعه ای از عوامل مختلف از جمله ویروس مرگبار، برنامه ریزی نامناسب، و رهبری ناشایست، بشریت را به جاده ای جدید و نگران کننده وارد کرده است(Mair, 2020).

[2] Donald Trump
[3] Xi Jinping
[4] Henry Kissinger
[5] Stephen Walts

یکی از مباحث سیاسی که در این روزها به کرات مطرح شده، موضوع تفاوت رهبری زنان و مردان در دنیای سیاست بوده است. نیکولاس کریستوف نویسنده روزنامه نیویورک تایمز می نویسد: تقریبا در همه کشورهائی که مرگ و میرناشی از کرونا در آنها به بیش از یکصد و پنجاه نفر در هر یک میلیون نفر رسیده ، رهبری بر عهده مردان بوده است. موفق ترین رهبران در مبارزه با ویروس کرونا آنهائی بوده اند که متواضعانه با متخصصان سلامت عمومی مشورت کردند و بی درنگ به نصیحت آنان گوش دادند، بسیاری از این رهبران، زن بودند. اما "همه" رهبرانی که خوب عمل نکردند "مرد" و عمدتا اقتدارگرا، خودبین، رجزخوان، بیش از حد مغرور، و به متخصصان بدگمان بوده اند (Kristof, 2020). روزنامه انگلیسی گاردین نیز در مقاله ای به موفقیت زنان حاکم بر برخی از کشورهای کرونازده نوشت که این زنان نشان دادند که قدرت، قاطعیت، احساسات و عواطف مکمل یکدیگر و لازمه یک حکمرانی صحیح هستند. از آلمان تا نیوزیلند و از دانمارک تا تایوان ، زنان بحران کرونا را با اعتماد به نفس مدیریت کردند. به گزارش ایرنا در بخش هائی از مقاله گاردین با اشاره به عملکرد سرانی همچون جاسیندا آردن[6]، نخست وزیر نیوزیلند که با پخش زنده ویدئو هائی در فضای مجازی از مردم می خواهد تا در خانه بمانند و جان دیگران را نجات دهند یا آنگلا مرکل[7]، صدر اعظم آلمان که ویدئوی توضیحات وی در مورد کنترل شیوع ویروس کرونا میلیون ها بار در فضای مجازی دیده شده و همچنین مته فردریکسن[8] و ارنا سولبرگ[9]، نخست وزیران دانمارک و نروژ که توانستند با قاطعیت مرزها را بسته و اماکن عمومی را برای کاهش شیوع کرونا تعطیل کنند آمده است(همشهری، شماره ۷۹۲۶، ۱۳۹۹). روزنامه اطلاعات نیز در یادداشت سردبیر چنین آورده است که " در هنگامه شیوع کرونا و در شرایطی که رهبران قدرتمند و پرمدعائی همچون دونالد ترامپ و بوریس جانسون عملکردی رقت انگیز در برابر آن نشان دادند، تایوان، نیوزیلند، آلمان، فنلاند، دانمارک، ایسلند حتی بنگلادش کشورهائی بودند که این ویروس را به خوبی و شایستگی مدیریت و مهار کردند و مانع از شیوع گسترده و برجا گذاشتن تلفات سنگین شدند. وقتی به این کشورها روی نقشه جغرافیا نگاه می کنیم و پراکندگی آنها را از دورسوی اقیانوسیه تا جنوب شرق آسیا و تا شمال غرب اروپا می بینیم، تنها یک پاسخ برای این پرسش داریم: رهبران همه آنها زن هستند(خانی، ۱۳۹۹).

واقعیت این است که در بسیاری از کشورهای جهان جدال بین سیاسیون و متخصصان بالا گرفت و زور گروه اول بر توان گروه دوم تفوق یافت. با این که دولتمردان از وجود ویروس آگاه بودند اما به جای اطلاع رسانی و انجام اقدامات مسولانه درباره آن، مسئله به این مهمی را مسکوت گذاردند و به بزرگ نمائی امور جاری کشورشان پرداختند، غافل از این که تبعات سوء عملکرد ناصحیح آنان دامان ملت های آنها را خواهد گرفت.

بعد اقتصادی

اگرچه همه گیری کرونا یک پدیده جهانی است که مرز نمی شناسد و کل سیاره را درگیر کرده است، اما چگونگی توزیع نا عادلانه ثروت در جهان باعث شده که فقرا بیشتر از ثروتمندان به کرونا مبتلا شوند و از آن صدمه ببینند. حتی در کشور آمریکا نیز تعداد آمریکائی های آفریقائی تباری که به ویروس کرونا مبتلا شده اند بسیار بیشتر از سفیدپوستان است. شاید

[6] Jacjnda Arden
[7] Angela Merkel
[8] Mette Frederidkson
[9] Erna Solberg

بتوان گفت که ویروس فقر حتی از ویروس کرونا نیز بی رحم تر عمل کرده و افراد زیادی را با دوگانه "نان و جان" درگیر ساخته است. به گفته آنتونی گوترش دبیر کل سازمان ملل متحد، کوید-۱۹ (کرونا) بزرگ ترین آزمونی است که از زمان تشکیل سازمان ملل متحد، با آن روبه رو شده ایم. این ویروس با به نابودی کشاندن زندگی ها و معیشت مردم در حال ضربه زدن به هسته جوامع است.

رکود فعالیت ها و پدید آمدن نوعی قفل اقتصادی ، آثرات بسیار سوئی ازقبیل کاهش شدید عایدات و درآمدها، اخراج کارکنان ، بستن شعبات کسب و کارها و اعمال سایر سیاست های انقباضی اقتصادی را در پی داشته است. بحران اقتصادی باعث سوگیری برخی از کشورها در جهت ناسیونالیسم اقتصادی شده است تا برای ارتقای سودآوری خود، به افزایش تعرفه ها و کاهش واردات رو آورند و وضعیت جهانی را از منظر سیاسی نیز آسیب پذیر نمایند.

به نظر سایمون میر، ویروس کرونا درست مانند تغییرات اقلیمی تا حدود زیادی ناشی از ساختار اقتصادی ما است. اگرچه هردو مورد به نظر پدیده هائی محیطی و طبیعی به نظر می رسند اما هردوی آنها تحت تأثیرنظام های اجتماعی قرار دارند (Mair, 2020).

وی معتقد است که ما نیاز به یک تفکر اقتصادی متفاوت داریم. در حال حاضردرک ما از اقتصاد، صرفا راهی برای خرید و فروش کالاها به ویژه کالاهای مصرفی است. در حالی که باید اقتصاد را به نحوی ساماندهی کنیم که از توجه صرف به بازار و سودآوری و مصرف عنان گسیخته، به مسیر مناسب تری هدایت شود و تاب آوری ما را برای همه گیری های آینده افزایش دهد. چنانچه برداشت ما از اقتصاد راهی برای استفاده از منابع برای پاسخگوئی به نیازهای ما باشد آنگاه با فرصت هائی روبرو خواهیم شد که زندگی متفاوتی را برای ما پدید می آورند بدون این که ما را با بدبختی و فلاکت مواجه کنند. به نظر میر، هرچه بیشتر تولید کنیم گازهای گلخانه ای بیشتری ایجاد خواهیم کرد. وی پیشنهاد می کند که طول مدت کار را کاهش دهیم و به افراد اجازه دهیم آهسته تر و با فشار کمتری کار کنند. مواجهه با تغییرات اقلیمی و کرونا بسیار آسان تر خواهد شد اگر انسان ها از فعالیت های اقتصادی غیر ضروری خود بکاهند. نمی توان با همان الگوی اقتصادی که تغییرات اقلیمی را در پی داشت به توسعه پایدار رسید.

بعد اجتماعی و فرهنگی

بعد اجتماعی و فرهنگی به روابط انسان ها با یکدیگر می پردازد. زمانی می توان کشوری را از منظر اجتماعی توسعه یافته قلمداد کرد که نظام های فرهنگی، آموزشی، بهداشتی، قضائی و امنیتی و هرآنچه که به زیست شهروندی ارتباط دارد، از کیفیت وکارآمدی مناسب برخوردار باشد. در چنین جامعه ای مسئولیت وسرمایه اجتماعی تقویت می شود و اعتماد بین فردی، اجتماعی، و نهادی افزایش می یابد. تک تک افراد جامعه در قبال وضعیت حال و آینده یکدیگر احساس مسئولیت می کنند و به نیازهای همنوعان خود توجه می نمایند. اعتماد آنها به سازمان ها و نهادهای حاکمیتی افزایش می یابد و با حضور فعال در نهادهای مدنی علاوه بر حضور اثرگذار در جامعه، به دیده بانی نظام حکومتی پرداخته وبا مشارکت موثر در فعالیت های جمعی، بار کاری متراکم دولت ها را نیز تعدیل می نمایند.

به نظر فوکویاما، سرمایه اجتماعی منعکس کننده توان افراد برای کارکردن با هم در جهت تحقق هدف های مشترک در گروه ها و سازمان هاست. تجربه همه گیری کرونا نشان داد که در برخی از جوامع از جمله در جامعه ما سرمایه اجتماعی که

ارتباط مستقیمی با توسعه کشور دارد، از وضعیت مطلوبی برخوردار نیست. نبود اعتماد بین مردم و مسئولان، ناکارآمدی بوروکراسی، کمبود مشارکت در فعالیت های جمعی، تعدد مراکز نظارتی و وجود بی نظمی های اجتماعی، برخی از نمودهای ضعف سرمایه اجتماعی در جامعه ماست. نگارنده بر این باور است که علت بنیادین وضعیت موجود ناکارآمدی نظام آموزشی است و بازنگری در آن را پیش شرط اساسی برای تحقق هدف های توسعه ای می داند.

مسئولیت اجتماعی آینده نگرایجاب می کند که در محتوای برنامه های آموزشی همه رده ها از پیش دبستانی تا دوره های عالی دانشگاهی بازنگری شود تا تضمینی برای ایجاد و تقویت سرمایه اجتماعی در آینده به وجود آید. در حال حاضر، ساختارها و رفتارها درنظام آموزشی ما به گونه ای شکل گرفته که توانائی پرورش انسان های تراز توسعه را ندارد. برای مواجهه با پیچیدگی های روزافزون دنیای امروز باید از یک سو بر انسان های پوینده و پژوهنده تکیه کرد و از سوی دیگر از فرایندهای کاری منعطف و کارآمد بهره گرفت. انسان هائی که داده های محیطی را به سرعت اکتساب نمایند و فرایندهائی که با انعطاف پذیری به هنگام، قابلیت پاسخگوئی به نیازهای متغیر محیطی را داشته باشند.

سازمان بهداشت جهانی مهارت هائی را برای برخورداری از زندگی فردی و اجتماعی موفق بر می شمارد. این مهارت ها عبارتند از: خودآگاهی، همدلی، روابط بین فردی، برقراری ارتباط موثر، مدیریت هیجان، مقابله با فشار روانی، تصمیم گیری، حل مسئله، تفکر خلاق، و تفکر نقادانه.

از نظر سازمان آموزشی، علمی و فرهنگی ملل متحد (یونسکو) نیز سواد معنا و مفهوم جدید و ابعاد گوناگونی یافته است:

۱- سواد عاطفی (توانائی ایجاد رابطه عاطفی با خانواده، همسر، فرزندان و دوستان).

۲- سواد ارتباطی (توانائی برقراری ارتباط مناسب با دیگران و دانستن آداب اجتماعی).

۳- سواد مالی (توانائی مدیریت مالی خانواده، دانستن روش های پس انداز و چگونگی ایجاد توازن در دخل و خرج).

۴- سواد رسانه ای (توانائی تشخیص رسانه های معتبر از نامعتبر و تشخیص وثوق اخبار).

۵- سواد آموزشی و تربیتی (توانائی تربیت فرزندان به نحو شایسته).

۶- سواد رایانه ای (توانائی استفاده از مهارت های رایانه ها، مدیریت فایل ها، نرم افزارهای آماری، اینترنت ...).

۷- سواد سلامتی (آگاهی از اطلاعات مهم درباره تغذیه سالم و کنترل بیماری ها).

۸- سواد نژادی و قومی (شناخت نژادها و قومیت ها بر اساس احترام و عدم اعمال تبعیض).

۹- سواد بوم شناختی (دانستن راه های محافظت از محیط زیست).

۱۰- سواد تحلیلی (توانائی شناخت، ارزیابی و تحلیل نظریه های مختلف و ارائه استدلال های منطقی بدون تعصب و پیش داوری).

۱۱- سواد انرژی (توانائی مدیریت مصرف انرژی).

۱۲- سواد علمی (علاوه بر سواد دانشگاهی، توانائی بحث یا حل و فصل مسائل با راه کارهای علمی و عقلانی مناسب).

۱۳- سواد ایجاد تغییر (توانائی استفاده از آموخته ها برای به وجود آوردن تغییر در زندگی خویش).

به این ترتیب زمانی می توان فردی را به صفت با سوادی متصف کرد که عمل او علمی شود و آموخته هایش در اعمالش تجلی یابد. برای دستیابی به توسعه، نیاز به آموزشی است که کلیه این ابعاد را در بر گیرد و آحاد جامعه را به سوی توسعه و تعالی سوق دهد.

بعد علمی و فناوری

اگر تاکنون چنین می اندیشیدیم که ابزارها و تجهیزات جنگی زندگی مارا تهدید می کنند و با خرید و استفاده از آنها می توانیم ازامنیت جانی خود حفاظت کنیم، تجربه کرونا نشان داد که این ویروس ها هستند که جان انسان ها را تهدید می کنند و باید با تخصیص بودجه های بیشتر، به شناسائی، پیشگیری و کنترل آنها اهتمام ورزیم. اگر بخواهیم بعد مثبتی برای این همه گیری قائل شویم توجه جدی تر به علم و توجه کمتر به خرافات وتوهماتی است که بسیاری از مردم به آنها باور داشته اند. پس از این همه گیری دانشمندان در جای جای جهان به تکاپو افتادند و برای چاره جوئی، از علم و فناوری مدد خواستند.

در این فرایند، علم ما را به کشف پیچیدگی های جهان هستی و ایجاد نرم افزارها رهنمون می شود، فناوری نیزبه ما کمک می کند تا با ساختن سخت افزارها به پیاده سازی آموخته ها در زندگی واقعی بپردازیم و عمل خود را علمی نمائیم. پارادایم دیجیتالی سازی نمودی از ترکیب علم و فناوری است که به سرعت در حال گسترش درکلیه ابعاد زیست جوامع انسانی، شامل ابعاد سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی است. امروز به جرأت می توان گفت که تحول دیجیتالی، که برخی از آن به عنوان سونامی دیجیتالی یاد می کنند، در همه ابعاد زیست ما با شتاب زایدالوصفی رخنه کرده واثرات خود را نیز برجای گذارده است. البته باید توجه داشت که تحول با تغییرات جزئی تفاوت دارد. به قول جرج وسترمن، تحول دیجیتال همانند تبدیل کرم ابریشم به کرم ابریشم سریع تر نیست بلکه به مثابه تغییری جهشی یعنی تبدیل کرم به پروانه است (Westerman, 2014).

از نظر وسترمن، اگر پیشرفت دیجیتالی به درستی صورت گیرد تحول آفرین خواهد بود ، در غیر این صورت پیشرفت چندانی صورت نمی پذیرد (O'Brian, 2019). فوربات بر این باور است که با تغییر فناوری، مهارت های جدیدی رخ می نمایند که باید کارکنان را به آنها مجهز کرد، نمی توان صرفا با جایگزین کردن انسان با ماشین، در سازمان ها تحولی به وجود آورد. آموزش و یادگیری مستمر لازمه ایجاد تحول پروانه واراست (Forbath, 2020). چن نیز معتقد است که دیجیتالی شدن روزافزون با خود نوعی چالش انسانی را نیز در پی داشته است، و مهم ترین مانع ایجاد تحول دیجیتالی، نبود فرهنگ و مهارت های دیجیتال است (Chen, 2020).

نکته ای که باید به آن توجه داشت این است که دیجیتالی سازی صرفا به الکترونیکی کردن منحصر نمی شود. محیط دیجیتال تلفیقی از فناوری اطلاعات و منابع فیزیکی یعنی کارکنان و ذینفعان سازمان است (زیانی و تاج فر، ۱۳۹۹). در این جا نیز انواع ورودی های سیستم، شامل منابع انسانی، مالی و اعتباری، فیزیکی، و منابع مفهومی، هریک نقش ویژه خود را در کارآمدی سیستم ایفا می کنند. از ظرفیت های دیجیتالی می توان در تبدیل فرایندهای دستی به الکترونیکی، غیر مادی سازی فعالیت ها از طریق جایگزینی فعالیت های انسانی با معادل های الکترونیکی آنها، کوچک سازی، پزشکی از راه دور به کمک ابزارهای مجازی، واعمال کنترل نامرئی در گروه های هدف... استفاده کرد. در شرایط فعلی نیز می توان از قابلیت ها و کاربردهای متنوع فناوری های دیجیتالی بهره مند شد. برای مثال در مقابله با همه گیری کرونا می توان در نظم دهی به

انجام دادن تست های تشخیصی، ردیابی مسیرهای انتقال بین افراد، مراودات گروهی، رعایت فاصله اجتماعی، پیگیری وضعیت بیماران و...از این قبیل فناوری ها استفاده کرد. نکته مهم در این زمینه، ضرورت توجه به امنیت اطلاعات، جامعیت اطلاعات ، و قابلیت دسترسی به اطلاعات در زمان مورد نیازاست.

ایجاد تحول دیجیتالی، مستلزم توجه جدی به امر آموزش منابع انسانی است. آموزش کارآمد و با کیفیت نیز پیش نیازهای خود را دارد. وجود شکاف دیجیتالی در بین اقشار مختلف (زن و مرد، جوان و سالمند، شهری و روستائی.....) از چالش های جدی در این دوران است.

نابرابری شرایط آموزشی، عدم دسترسی به اینترنت و ابزارهای مورد نیاز برای یادگیری، تفاوت شدید بین رده های مختلف جامعه(به عنوان مثال، بین مدارس خصوصی، نیمه دولتی، دولتی و به ویژه روستائی)، نمود واضحی از بی عدالتی در جامعه است و این در حالی است که در بند ۲۶۰۱ اعلامیه جهانی حقوق بشر بر لزوم برخورداری از فرصت های برابر آموزشی و یادگیری برای عموم تأکید شده است.. بدیهی است آنهائی که آموزش بهتر و باکیفیت تری می بینند، به احتمال قریب به یقین در آینده نیز از موقعیت های برتری بهره مند خواهند شد وسیکل معیوب نابرابری و بی عدالتی همچنان تداوم می یابد.

بعد محیطی و بوم شناختی

همواره به یاد داشته باشیم که ما فقط یک جزء از اجزاء پرشمارطبیعت هستیم و نه فرمانده آن. شیوه های رفتاری ما انسان ها بر کل نظام طبیعت تأثیر می گذارد. از یک سو می تواند موجب حفاظت، احیا و بازسازی آن شود و از سوی دیگر می تواند باعث اضمحلال و نابودی آن گردد. فشار بر طبیعت ممکن است که توازن آن را مختل کند . اکنون مسلم شده که فعالیت های انسانی که در موارد زیادی با تغییر کاربری زیست بوم ها همراه بوده، موجب وقوع اختلال در کارکرد بسیاری از سیستم های طبیعی شده است. حجم عظیم مصرف که به وسیله انسان ها صورت می گیرد بسی فراتر از توان بازسازی سیستم های زنده در کره زمین است. سبک زندگی چهارسیاره ای اشاره به این نکته دارد که اگر تمامی انسان های روی زمین بخواهند به اندازه شهروندان آمریکائی مصرف کنند، برای تأمین خواست های آنها به چهار سیاره به اندازه زمین نیاز خواهد بود. سبک زندگی تک سیاره ای فقط به معنای کاستن از مصرف شخصی نیست بلکه به معنای به چالش کشیدن نظام رشد محور و جهانخواری است که به آن سرمایه داری می گوئیم (مونبیو، ۲۰۱۸).

طی سه سده گذشته، انسان ها با مصرف بی رویه و عنان گسیخته منابع طبیعی خسارات جبران ناپذیری رابر طبیعت وارد کرده اند.ادامه چنین روندی نه عقلانی است و نه پایدار. انسان به دلیل رهائی اکولوژیک و توانائی نسبی خروج از آشیان اکولوژیک خود، مسئولیت بزرگی بر دوش دارد و آن حفاظت از آشیان اکولوژیک سایر گونه های زیستی است (Zahedi, 2010).

حرکت در مسیر توسعه چنین ایجاب می کند که انسان ها به مسئولیت اکولوژیک خود عمیقا باور داشته و در جهت تحقق آن مجدانه بکوشند.[۱۰] اخلاق آینده نگر و دور برد لازم است تا به حفظ محیط زیست و رعایت حقوق نسل های آینده منجر شود.

[۱۰]منظور از آشیان اکولوژیک کلیه مشخصه های فیزیکی، شیمیائی، و محیطی است که موقعیت یک ارگانیسم را مشخص می کند و چنانچه مشخصه های مزبور تغییر نمایند ارگانیزمی که تحت تأثیر آنها قرار دارد با مشکلاتی مواجه می شود که ممکن است به نابودی آن منجر شود. انسان به مدد پیشرفت های تکنولوژی خودساخته ، می تواند از محدوده زیستی خود خارج شود و به حیات خود ادامه دهد.

در شرایط همه گیری کرونا به کرات شاهد نقض مسئولیت اکولوژیک از جانب انسان ها بوده ایم. به عنوان مثال، اگرچه این همه گیری موجب شد افراد مسائل بهداشتی را بیشتر رعایت کنند، اما استفاده افراطی از مواد ضد عفونی کننده، ماسک ها و دستکش ها و دورریز نامناسب این مواد، که می توانند بسیار آلوده و خطرزا باشند، صدمات جبران ناپذیری را برای گونه های زیستی در پی خواهند داشت.

مسئولیت اکولوژیک چنین اقتضا می کند که انسان ها با نگاهی واقع بینانه و دور از انحصارطلبی، حرمت سایر گونه ها را حفظ کرده و شیوه زیست خود را در جهت تداوم بقای جهان هستی اصلاح نمایند. امروزه موضوع مدیریت منابع انسانی پایدار به عنوان موضوعی اساسی و ضروری درمباحث مربوط به توسعه سازمانی مطرح شده است. مدیریت منابع انسانی پایدار یک دیدگاه ترکیبی است که همزمان، به مراقبت اخلاقی از منافع کلیه ذینفعان، اعم از کارکنان، صاحبان سهام، و طبیعت توجه دارد. احساس تعهد سازمانی به سبز بودن شامل پایداری محیطی، حفظ گونه های زیستی، استفاده ازمنابع تجدید پذیر، معماری سبز، ذخیره انرژی، جلوگیری از تغییر ات اقلیمی، و کیفیت زندگی می شود(Mariappanadar, 2019). در نظر گرفتن این موارد باعث می شود که صدمات ناشی از فعالیت های سازمانی به پائین ترین حد تقلیل یابد.

بعد معنوی

معنویت نوعی نگرش است که به انسان آرامش، شادی و امیدواری می دهد و منبعی برای نشاط روحی و روانی و اجتماعی است. معنویت مسیری است که ما را به درک بیشتر از خودمان، اطرافیانمان و اجزای پر شمارنظام هستی رهنمون می شود. دین و مذهب یکی از راه های رسیدن به تجربه های معنوی است که بر زندگی پس از مرگ و حیات آن-جهانی تأکید دارد . راه های معنوی غیر دینی نیز وجود دارند که پیروان خود را دارند و به باور و شیوه خود، مراتب طولی و تکاملی را طی می کنند.

یکی از اثرات مهمی که این همه گیری داشته، تعمیق معنویت در مناسک دینی بوده است . در بسیاری از موارد، شور مذهبی با شعور و عقلانیت عجین شده و نمودی ازروحیه همدلی و انسانیت متعالی را به منصه ظهور رسانده است. به عنوان مثال، نذورات معنوی از خوراکی های متداول، به وسائل بهداشتی مانند ماسک و دستکش ، تأمین ابزار دیجیتالی مورد نیاز کودکان و دانش آموزان برای بهره مندی از آموزش مجازی و راه اندازی پویش های همدلانه "خیر موثر" تغییریافته است. سازمان های مردم نهاد به مردم کمک کردند و اقدامات خودنمایانه به فعالیت های دیگرخواهانه گرایش یافتند تا به نحوی از درد و رنج مردم نیازمند بکاهند. البته امید است این دگرگونی ها تواتر بیشتر و شتاب سریع تری یافته ، در آینده نیز تداوم یابند و ویژگی هولوگرافیک یا خودمانائی پیدا کنند. در هولوگرافی هر یک از اجزاء نمودی از کل بوده و کل گرائی در یکایک اجزاء تبلور می یابد. منظور از هولوگرافیک بودن وضعیتی است که در آن، تک تک آحاد جامعه آنچنان به هم احساس وابستگی می کنند که اگر سوزنی در دست فردی فرو رود همه اعضاء درد را احساس کرده و برای رفع آن تلاش می ورزند. چنین اقداماتی موجب ارتقای همدلی، همیاری، انسجام و همبستگی جمعی شده و احساس تعلق به آینده ای مشترک را در جامعه تقویت می کنند.[11]

[11] Holographic

برای ارتقای سطح نشاط اجتماعی بهتر است به جای دامن زدن به افکار منفی، گله گذاری مداوم از وضعیتی که پیش آمده و ترس افراطی از مرگ یا تاناتو فوبیا،[12] بیشتر به داشته های خود بیندیشیم و قدردان امکاناتی که در اختیارداریم باشیم و البته تا حد امکان سهمی هم برای دیگران در نظر بگیریم. به یاد بیاوریم که در آموزه های مکتبی ما تأکید شده است که پس از هر سختی، نوبت آسانی خواهد رسید. پس با کنترل خشم وپرخاشگری، و با همدلی و همبستگی اجتماعی، علاوه بر مدیریت رفتار و گفتار خود بر امیدواری و نشاط اجتماعی بیفزائیم. در آموزه های روانشناسی مثبت گرا، مفهومی با عنوان " اثر آفتابگردانی" مطرح شده است.[13] همان طور که گل های آفتابگردان به سمت خورشید می چرخند، انسان ها هم دوست دارند با افراد مثبت دمساز باشند و با آنها آمد و شد داشته باشند. این روزها که مملو از اخبار ناراحت کننده هستند، شایسته است که هر یک ازما علاوه بر حفظ روحیه خود، با گفتار و رفتار مثبت، در حد توان به دیگران نیز یاری رسانیم.

نتیجه گیری

همه گیری کرونا را شاید بتوان از نظر وسعت قلمرو، شتاب گسترش و شدت اثرگذاری در رتبه نخست رخداد های مشابه در سراسر جهان قلمداد کرد. بنا بر قول یکی از صاحبنظران حوزه ارتباطات، تاکنون هیچ واژه ای با چنین سرعتی در فرهنگ لغات ۶۷۰۰ زبان موجود در کره زمین وارد نشده است (محسنیان راد، ۱۳۹۹).

این موجود ریز و کوچک اما هزارچهره و توانمند که تعداد میلیونی آن بر سر سوزنی جای می گیرد، در نبردی نابرابرتوانست ضربه شست محکمی به مدعیان علم و تدبیر نشان دهد (خبرگزاری برنا، ۱۳۹۹). البته تاریخ نشان داده است که انسان ها آرام نمی گیرند و همان گونه که در دوران های پیشین بر بحران های بسیار فائق آمده اند این یک را نیز مهار خواهند کرد.

همه گیری کرونا یک بار دیگر نشان داد که سرنوشت همه کشورهای جهان به نوعی درهم گره خورده است. جمله معروف " همه با هم در یک قایق نشسته ایم" باز هم مصداق واقعی یافته است. به یاد داشته باشیم که اجزای نظام جهانی آنچنان به یکدیگر وابسته اند که اگر یک جزء زخمی شود، بسیار بعید است که دیگر اجزاء به نحوی به پانسمان نیازمند نشوند. به دلیل عمق این وابستگی، کشورهای توسعه یافته و برخوردار موظفند به کشورهای محروم، از جهات مختلف علمی، فنی، اقتصادی، بوم شناختی و هر آنچه که در فرایند توسعه جهانی موثر است مدد رسانند و آموزه های آن را در عرصه های محلی، ملی، منطقه ای و جهانی به طور همزمان در سراسر جهان پیاده سازی واجرا نمایند.

فرهنگ هر جامعه نقش بسیار مهمی در شیوه مدیریت جامعه دارد. به عنوان مثال به کشور ژاپن اشاره می شود. وزیر اقتصاد کشور ژاپن در گفت و گو با خبرگزاری دویچه وله به "استانداردهای فرهنگی" به عنوان عاملی برای مرگ و میر کمتر در این سرزمین اشاره کرده است. فرهنگی که در شرایط بحرانی، با انسجام داخلی، یکپارچگی، همبستگی ملی ، فرمان پذیری بیشتر از دستورها و رعایت پروتکل ها، موجب افزایش کارآمدی سیاست های کشوری شده است. بنا بر گزارش دانشگاه جان هاپکینز آمریکا، نرخ ابتلا و آمار مرگ و میر ناشی از کرونا در کشورهای شرقی در مقایسه با کشورهای پیشرفته ای مانند آمریکا، بریتانیا و فرانسه، به صورت چشمگیری پائین تر است. بر اساس آمارها نرخ مرگ و میر ناشی از کرونا در هر یک

---

[12] Thanatophobia

منظور از تاناتو فوبیا تفکر بیش از حد به مرگ و ترس غیر معمول یا غیر طبیعی از آن است به نحوی که بر عملکرد طبیعی و سالم فرد اثر می گذارد تا حدی که به بیماری های روحی و روانی منجرمی شود (Raymond, 2020).

[13] Heliotrapic effect

میلیون نفر جمعیت کشوری مانند آلمان که بهترین مقابله با این بیماری را در میان کشورهای غربی داشته حدود نود و چهار ممیز هشت است. این عدد در ژاپن که اولین آمار مرگ ومیر در میان کشورهای آسیای شرقی را داشته پنج ممیز چهار و در کشور ویتنام صفر برآورد شده است(اخویان طهرانی، ۱۳۹۹).

این تجربه بر اهمیت مشارکت مردم در پیاده سازی و موفقیت سیاست های دولت ها مهر تأئید زد. از این رو لازم است که در سرزمین ما نیز تشکل های مدنی تقویت شوند تا گروه های مختلف بتوانند نقش فعال تری در اداره امور جامعه برعهده گیرند. از این طریق به ایجاد موازنه قدرت بین مردم و حکومت کمک می شود و درنتیجه، مردم که قرار است مخدوم باشند، خادم نمی شوند و احساس می کنند که در اداره امور خود و کشورشان عاملیت دارند، سهیم هستند و می توانند موثر باشند.

پدید آمدن بحران هائی همانند کرونا فرصتی برای راستی آزمائی عملکرد دولت ها در اختیار شهروندان قرار می دهد. ناکارآمدی دولت ها موجباتی را فراهم آورد تا جوامع از اوج اعتماد به حضیض بی اعتمادی سقوط کنند. وقت آن رسیده است که همان گونه که برای تهیه واکسن کرونا تلاش می شود، چاره ای هم برای درمان بی اعتمادی جامعه اندیشیده شود. کاش دولت ها همان حالتی که هنگام انتخاب شدن با مردم احساس می کنند را تداوم دهند، مردم را از خود و خود را خدمتگزار واقعی آنها بدانند و البته این احساس را در عملکرد خود نیز متجلی سازند. متأسفانه بسیار دیده شده است که دولت ها دچار نسیان مقطعی می شوند، آنچه که وعده داده اند را پس از انتخاب شدن به فراموشی می سپارند و در انتخابات بعدی مجددا آن وعده ها را به یاد می آورند و تکرار می کنند.

بهترین روش برای کنترل آینده، خلق آینده است. اگر تاکنون بدون توجه به الزامات توسعه ای عمل کرده ایم و با گسترش نابرابری، بی عدالتی و ناکارآمدی مواجه شده ایم، راهبردها و برنامه های پس از کرونا را بر مبنای الگوی توسعه یکپارچه و متوازن ساماندهی کنیم. برای ایجاد آینده ای روشن، همه باید بکوشیم تا اولا شناخت بهترو عمیق تری از تبعات منفی عملکرد خود در گذشته احراز کنیم. ثانیا اطلاعاتی مبتنی بر واقعیت درباره تهدیدها و خطراتی که نسل های فعلی و آتی را به مخاطره می اندازند و همچنین ظرفیت ها و فرصت های باقیمانده وموجود، به دست آوریم و ثالثا با استفاده از آرا و نظرات متخصصان از سراسر جهان، راهبردها و برنامه های آگاهانه ای که قابلیت پیاده سازی دارند را تدوین و اجرا کنیم.

فهرست منابع

الف- فارسی

- اخویان طهرانی، عسل. (۱۳۹۹)، "راز مدارای کرونا با شرقی ها" روزنامه جام جم، اول امرداد ۱۳۹۹، شماره ۵۷۱۲، ص ۱۵.

- خانی، علیرضا. (۱۳۹۹)، "زنده باد زنان" روزنامه اطلاعات، شماره ۲۷۵۴۲ ، اردیبهشت ۱۳۹۹ 6 ص. ۱،

- خبرگزاری برنا، ۲۷ فروردین ۱۳۹۹، http://www.borna.news/fa/tiny/news-988769 (دسترسی: ۲ آبان ۱۳۹۹).

- روزنامه همشهری، ۷ اردیبهشت ۱۳۹۹، شماره ۷۹۲۶، ص ۱۰.

- روزنامه همشهری، ۲۲ اردیبهشت ۱۳۹۹، شماره ۷۹۸۵، ص.۲۰.

- زاهدی، شمس السادات، الگوی توسعه پایدار یکپارچه و متوازن. (۱۳۹۸)، "دوفصلنامه توسعه علوم انسانی" ، فرهنگستان علوم جمهوری اسلامی ایران، شماره ۱، تهران، ایران.

- زیانی، محبوبه و تاج فر، امیر هوشنگ. (۱۳۹۹)، تأثیر گذاری عوامل موثر بر بازی وار سازی در تحول دیجیتالی کارکنان سازمان، پژوهش های مدیریت منابع انسانی، شماره ۳۹، صص.۱۰۷-۱۳۵.

- محسنیان راد، مهدی. (۱۳۹۹)، " کرونا پر تکرارترین واژه تاریخ "، روزنامه همشمری، شماره ۷۹۸۷، ۲۴ تیر ۱۳۹۹، ص ۱۵.

- مونبیو، جرج. (۲۰۱۸)، وب سایت گاردین،(نقل از روزنامه اطلاعات، ترجمه بابک طهماسبی، شماره ۲۷۱۴۴، ۲۱ آبان ۹۷، ص. ۵).

- منابع خارجی

- Bardhan, Pranab (2016), "State and economic development: The need for a reappraisal of the current literature", *Journal of Economic Literature*, Vol. 54, No. 3, pp.862-892.

- Chen, Y. (2020), "Improving market performance in digital economy", *China Economic Review*, Vol. 62, pp.101-114

-Forbath, Theo (2020), "Are you a caterpillar or a butterfly with new technology?", Business Functions Blog, Accenture.com.

-Knein, E., Greven, A., Bending, D., and Brettel, M. (2020), "Culture and cross-functional coopetition: The interplay of organizational and national culture", *Journal of Management* 26, no. 2.

- Kristof, Nikolas. (2020), "What the Pandemic Reveals about the Male Ego", *New York Times*: https://www.nytimes.com/2020/06/13/opinion/sunday/women-leaders-coronavirus.html (Accessed: 23, October, 2020).

- Mair, Simon. (2020), March,"What will the world be like after corona virus? Four possible futures", University of Surry, UK.

- Mariappanadar, Sugumar. (2019), "Sustainable human resource management, strategies, practices and challenges", Red Globe Press, Macmillan International Higher Education, London.

- Nguyen, N.P., Ngo, L.V., Bucie, T., and Phong, N. D. (2018), "Cross-functional knowledge sharing, coordination and firm performance: The role of cross-functional competition", Ind. Mark. Manag 71, 123-134. http//doi.org/10.1016/g.inderman2017.12014.

-Nussbaum, Martha, C. (2020), "Covid-19 pandemic has re-awakened desire for social democracy", La Presna Latina Media, University of Chicago, USA.

– Nye, Joseph, S. Jr. (2020), "No, the coronavirus will not change the global order", *Foreign Policy*, April 16, USA.

- O'Brian, Gohn. (2019), "Creative commons attribution_ No Derivatives", International Licence, *Educause Review*, 54, No. 1.

- Raymond, Chris. (2020), “Coping with Thanatophobia: Fearing Death Is Natural but Thanatophobia Is Extreme”, verywellmind, URL: https://www.verywellmind.com/what-is-thanatophobia-3577764 (Accessed: 23, October, 2020).
- Rothwell, William, Stavors, Jackie,and Sullivan, Roland. (2016), “*Practicing organization development*: *Leading transformation and change”*, Fourth Edition, John Wiley & Sons Inc., USA.
-Rouschke, D., and Mason, M. (2020), “The engagement of home-based businesses in the digital economy”, *Futures* , Vol. 10, pp. 128-139.
- Serra, Narcis. and Stiglitz, Joseph E. (2016), “Industrial Development Report”, Oxford University, UNIDO.
- Westerman, George. (2014), “The digital business transformation imperative”, *Sloan Executive Education*, innovation@work (blog), June 12, 2014.
- Zahedi, Shamsalsadat. (2010), “Green management, an approach toward sustainable tourism”, Coastal Tourism Innovators Symposium, Stanford University and Center for Responsible Travel, Stanford, California, USA.

Lessons from Covid-19 Pandemic for Management and Development

Shamsalsadat Zahedi

Abstract

Development is a multi- faced process with interconnected pillars. In order to be successful, development strategies need a shift in their priorities in an integrated and harmonious manner. Now is time to reconsider the previous policies and make the necessary changes in the managerial and developmental policies all over the world. Corona pandemic once more emphasized on the importance of government role in managing people and societies. Governments should reconsider their strategies and instead of trying to rule over others, try to cooperate with others and benefit from the results. Covid-19 showed that the destiny of different countries are deeply inter-related to each other and their collaboration is seriously and desperately needed. Rich countries should help the poor countries in different aspects: scientific, technological, economic, ecological, and whatever that matters in the sustainable development process.

Key words: change or transformation, role of government, green human resource management, digital divide, social happiness, thanatophobia, heliotropic effect, holography.